

تصحیح انتقادی دیوان حافظ

دکتر حسن انوری

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

حافظ از آن سخنورانی است که در روزگار خود به نهایت اشتها رسید و مورد تحسین و اعجاب اهل زمانه قرار گرفته است. معاصران حافظ اشعار او را «رشک چشمه حیوان و نبات افکارش را غیرت حورو ولدان و ابیات دلاویزش را ناسخ سخنان سبحان» دانسته، اذعان کرده اند که وی «مذاق عوام را به لفظ متین، شیرین می‌کرده و دهان خواص را به معنی مبین نمکین می‌داشته، هم اصحاب ظاهر را بدو آشنایی گشوده بوده و هم ارباب معنی را از او مواد روشنایی می‌افزوده» و بر آگاهان عصر آشکار شده بوده است که حافظ زبده و چکیده بلوغ و انکشاف هنر شاعری و نتیجه پختگی و کمال سخن پردازی و سخن آرایبی است و این معنی را با این عبارت بیان کرده اند که وی «هر ذرو گوهر که در طرف دکان جوهری طبیعت بوده از بهر زیب و زینت دوشیزگان خلوت سرای ضمیرش در سلک نظم کشیده». جای شگفت نیست که هم در روزگار خود «غزل‌های جهان گیرش در ادنی مدتی به حدود اقلیم ترکستان و هندوستان... و به اطراف و اکناف عراقین و آذربایجان رسیده» و چنان در دل‌ها راه بسته که سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی به شعر وی می‌رقصیده و می‌نازیدند.

چنین شاعری در ذروه طیران اندیشه و سختگی طبع و اعتلا و تعالی هنر، و با آگاهی بر ارزش شعر خود، در زمان حیات، به گردآوری سروده‌هایش تمایلی نشان نداده و پسندش نمی‌آمده است که آن‌ها را در دفتری در کنار هم بنویسد یا بنویسند و در پاسخ استادش، قوام الدین عبدالله (مرگ ۷۷۲ ه. ق.) که اصرار می‌ورزیده است حافظ غزل‌هایش را در دفتری گرد آورد، لاقیدانه از این کارشانه خالی کرده و «بر ناراستی روزگار حواله می‌داده و به غدرا هل عصر عذر می‌آورده». شعر چنین شاعری که به

صورت اوراق پراکنده دست به دست می‌گشته است و احیاناً زبانی و دهان به دهان و سینه به سینه، در محافل خصوصی، به وسیله شعر دوستان و اهل ذوق بازگو می‌شده، آشکار است که تا چه حد دستخوش تغییر می‌گردیده و اختلاف روایت پیدامی‌کرده است. علاوه بر این، عوامل دیگری نیز در روزگار شاعر و در روزگاران بعد، تغییر و تحریف را افزون‌تر کرده است؛ از این رو، عجیبی ندارد که در دنیا هیچ دونسخه‌ای از دیوان وی نتوان پیدا کرد که در متن اشعار یا در عده غزلیات و یا در توالی و ترتیب ابیات با یکدیگر مطابقت داشته باشد.

ترتیب نسخه‌ای از دیوان حافظ که با قاطعیت بتوان آن را از وی دانست و از اشعار و کلمات الحاقی و مشکوک مبراساخت، نه تنها پیوسته مطمح نظر محققان عصر حاضر بوده، بلکه علاقه‌مندان حافظ را در گذشته‌های دور نیز به خود مشغول می‌داشته است؛ چنان که بنابه نوشته قدسی حسینی، از شاعران و خوشنویسان عصر قاجار، در سال نهصد و هفتاد هجری قمری «جمع کثیری از فضلا» به امر سلطان بوالفتح بهادر خان نسخه‌های متعددی از دیوان حافظ فراهم آورده، به مقابله و تصحیح آن پرداخته اند و نسخه منقحی فراهم آورده بوده اند که قدسی خود آن را دیده و در تصحیح اشعار حافظ از آن سود جست‌ه بوده است. همین قدسی، خود حدود یکصد و بیست سال پیش در شیراز، از پنجاه نسخه گردآورده است و به مقابله دیوان پرداخته و حاصل کار را به خط نستعلیق خوش نوشته است. نسخه وی به سال ۱۳۲۲ ه. ق. در بمبئی هند چاپ شده و به چاپ قدسی مشهور است. به نظر می‌رسد که وی نسخه‌های خوبی در دست داشته است؛ از این رو، نسخه وی می‌تواند در پاره‌ای موارد مشکل‌گشا باشد.

از سال ۱۷۹۱ م. - که ظاهراً نخستین بار دیوان حافظ در کلکته هند، به اهتمام ابوطالب خان، پسر حاجی محمد بیگ تبریزی، چاپ شد - تا کنون بارها، چه در ایران و چه در خارج از ایران، چاپ شده و می‌شود. اما از آن پس، از زمانی که علامه محمد قزوینی باب تصحیح انتقادی متون را به سبک فرنگی در ایران گشود، هم خود وی به اتفاق قاسم غنی، نخستین بار کوشش موفقیت‌آمیزی در زمینه تصحیح انتقادی حافظ به کاربرد. وقتی که قزوینی به کار تصحیح حافظ دست زد تنها یک نسخه تاریخ دار، متعلق به نیمه اول قرن نهم، شناخته شده بود، و آن نسخه‌ای است که از آن سید عبدالرحیم خلخالی، آزادی‌خواه و مشروطه‌طلب و همکار سید محمد رضای

شیرازی در نشر روزنامه مساوات است. خلخالی قبلاً در سال ۱۳۰۶ از روی آن نسخه، چایی ترتیب داد که قبل از چاپ قزوینی - غنی مورد مراجعه اهل فضل بود. اما چنان که بعدها معلوم شد، لااقل چهارصد مورد سهو در نسخه چایی خلخالی، بر اثر غلط خوانی و نوشتن از حافظه، نه از روی نسخه اساس، به آن راه یافته بوده است و آگاهان می دانند که پس از آنکه چاپ عکسی نسخه خلخالی، در دسترس قرار گرفت معلوم شد مواردی نیز هست که نسخه قزوینی - غنی با نسخه خلخالی نمی خوانند. پس از انتشار چاپ قزوینی - غنی و به ویژه در نیم قرن اخیر، نسخه های متعددی متعلق به نیمه اول قرن نهم شناخته شد و از روی این نسخه ها چاپ های متعددی به بازار آمد: دو چاپ از خانلری (۱۳۳۷ و ۱۳۵۹)، چاپ بهروز - عیوضی (تبریز ۱۳۵۶)، چاپ جلالی - نذیر احمد (۱۳۵۰)، چاپ یحیی قریب (۱۳۵۴)، چاپ جلالی - نورانی وصال، چاپ خرمشاهی و هاشم جاوید، و چند چاپ خرمشاهی و چاپ سایه و از همه مهم تر چاپ سلیم نیساری با عنوان دفتر دگرسانی ها در غزل های حافظ.

در تصحیح انتقادی هر متن ادبی، پرسش های اصلی این است که مصحح از چه شیوه ای پیروی می کند، از کدام نسخه ها استفاده می کند و آنچه را در متن می آورد از کدام نسخه است، معیار انتخاب چیست و تا چه حد دقت و امانت در نقل از نسخه های خطی به نسخه چایی رعایت شده است، و پرسشی که جدا از این پرسش ها نیست اینکه اتکای نهایی بر چیست: بر قضاوت انتقادی یا پیروی بی تأمل از قدمت نسبی نسخه ها؟ در میان مصححان حافظ، از هر دو دسته، یعنی هم از تکیه کنندگان بر قضاوت انتقادی که لابد از روی ذوق و سلیقه شخصی و یا دانش سبک شناسی و لغت شناسی و حافظ شناسی باید باشد، و هم از پیروی کنندگان از نسخ قدیم، وجود داشته اند. از دسته دوم باید قزوینی را نام برد. وی چنان که خود می نویسد: به هیچ وجه ذوق و مشرب و سلیقه شخصی خود را در تصحیح هیچ جمله یا کلمه ای یا حرفی میزان قرار نداده و از خود هیچ تصرف و تغییر و تبدیلی و جرح و تعدیلی نکرده و هر چه کرده از روی نسخه بوده است و مخصوصاً می نویسد ذوق و مشرب امروزی خود را در قبال ذوق و مشرب عصر خواجه، که نسخه های قدیم حاکی از آن است، متهم باید نمود و ابداعنان خود را به دست مرجحات فریبنده نباید داد. از دسته اول آنان که تکیه بر نسخه های قدیم را در بست روانی دارند و بر ذوق و سلیقه و دانش حافظ شناسی خود تکیه می کنند:

انجوی شیرازی و احمد شاملورا باید نام برد. سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، از مصححان دیوان حافظ، در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «بامطالعۀ دقیق و رعایت جمیع جوانب باید تصحیح را از تقسیم بازشناخت و روایت غلط را اگر چه در کهن ترین نسخه‌ها آمده باشد غلط دانست و رد کرد و صورت درست را چنانچه در عادی ترین نسخه بوده باشد پذیرفت و بر روایات مختلف رجحان داد.» روند حافظ شناسی در سال‌های اخیر، شیوه پیشنهادی انجوی شیرازی را مردود دانسته و تکیه بر نسخه‌های کهن را همچنان معتبر شناخته است، اما جز اتکا بر نسخه‌های کهن و شیوه تصحیح و انتخاب اصلح و انطباق، مهم ترین مسئله در تصحیح انتقادی یک اثر، رعایت دقت و امانت است؛ بدین معنی که من خواننده اطمینان یابم که آنچه در نسخه خطی بوده، با رعایت دقت و امانت، به نسخه چاپی نقل شده است. وقتی که حافظ خانلری در سال ۱۳۵۹ منتشر شد و پیش از آن حافظ بهروز- عیوضی منتشر شده بود، در موضوع مانحن فیه مقاله ای در مجله آینه نوشتیم. مطلبی را از آن مقاله در اینجا نقل می‌کنم:

بهروز- عیوضی، چنان که خود نوشته اند، سعیشان بر آن بوده است که جزئی ترین اختلاف هر نسخه ای که اساس کارشان بوده، یعنی نسخه‌های مورخ ۸۱۳ و ۸۲۲ و ۸۲۵ را از نظر دور ندارد، و لولاینکه غلط واضح هم بوده باشد. سه نسخه مزبور از جمله نسخه‌های اساس کار خانلری هم بوده است. از این رو، با مقابله اختلافات که از آن سه نسخه خطی در این دو نسخه چاپی، یعنی چاپ بهروز- عیوضی و چاپ خانلری نقل شده، می‌توان درجه دقت و امانت دو چاپ را سنجید. من پنجاه مورد از نسخه بدل‌ها را در نیمه دوم دیوان مقابله کردم. ۴۲ مورد از آن‌ها یکسان و حاکی از دقت و امانت هر دو گروه مصحح است ولی هشت مورد نسخه بدل‌ها همخوانی ندارد و نشانه آن است که یکی از دو گروه در نقل دچار اشتباه است. موارد هشت گانه را اخیراً با دفتر دگرسانی‌های استاد نینساری نیز مقابله کردم. دو مورد از آن هشت مورد را در اینجا نقل می‌کنم:

تو جسته ای و نشد عشق را کناره پدید

تبارک الله از این ره که نیست پایانش بهروز- عیوضی غزل ۲۹۰

تو خسته ای و نشد عشق را کرانه پدید خانلری غزل ۲۷۶

این بیت در بهروز- عیوضی از نسخه ۸۲۲ نقل شده است. در حاشیه خانلری، نسخه بدل «کناره» از نسخه مزبور نقل شده اما «جسته ای» که اتفاقاً نسخه بدل قابل اعتنایی است.

نقل نشده است. آیا خانلری «جسته ای» را گونه قابل اعتنایی ندیده یا بهروز- عیوضی، «خسته ای» را «جسته ای» خوانده اند؟ طبق گزارش آقای دکتر نیساری در نسخه «طو» که همان مورخ ۸۲۲ باشد، «جسته ای» است؛ لذا به نظر می‌رسد خانلری، «جسته ای» را «خسته ای» خوانده بوده است.

این جان عاریت که به حافظ سپرد دوست

روزی رخس ببینم و تسلیم وی کنم خانلری غزل ۳۷۳

آن جان عاریت که به حافظ سپرد یار بهروز- عیوضی غزل ۳۶۳

طبق ضبط بهروز- عیوضی این بیت در هر سه نسخه آمده و در هر سه، کلمه اخیر مصراع اول «یار» است، اما طبق ضبط خانلری فقط در نسخه ۸۱۳ «یار» است. ملاحظه می‌شود روایت‌ها مطابق هم نیست، طبق ضبط نیساری در ۸۲۲ «دوست» است. از این رو به نظر می‌رسد اشتباه از سوی بهروز عیوضی باشد.

نتیجه آنکه تصحیح انتقادی، به ویژه از نوع دیوان حافظ، دقت و امانت فوق العاده‌ای می‌طلبد و حقیقت آن است که امرجان گاهی هم هست و کسی که مقابله‌ای انجام نداده باشد نمی‌داند فی‌المثل استاد سلیم نیساری در مقابله پنجاه نسخه چه رنج طاقت سوزی را تحمل کرده است.

* * *

وقتی حافظ خانلری انتشار یافت، استاد نجفی در طی مقاله‌ای در مجله نشر دانش، شماره اول، سال دوم، با عنوان «حافظ نسخه نهایی»، تلویحاً نسخه خانلری را نسخه نهایی قلمداد کرد. چند ماه پس از آن آقای دکتر علی محمد حق شناس در همان مجله، سال سوم، شماره چهارم، با اشاره به مقاله یاد شده نوشت: نسخه خانلری به حق نسخه نهایی دیوان حافظ و نقطه پایان دوره سوم در کار حافظ شناسی است. سال‌ها بعد، پس از انتشار حافظ چاپ سایه، استاد خرّمشاهی آن را نسخه حُسن ختام دیوان خواجه ارزیابی کرد. آقای دکتر علی اشرف صادقی در رونمایی دفتر دگرسانی‌ها درباره این تصحیح گفت: «دیوان حافظ را به نسخه نهایی نزدیک کرده است» و حقیقت هم همین است که این نسخه‌ها نهایی نیستند، ولی دیوان حافظ رابه نسخه نهایی نزدیک کرده اند. بی‌تردید شکل نهایی وقتی حاصل می‌شود که تصحیح کنندگان حافظ همگی به متن واحد رسیده باشند. هم اکنون در میان تصحیح‌های گوناگون، می‌توان غزلیاتی پیدا کرد

که در همه تصحیح‌هایکسان است و می‌توان گفت که آن غزل‌ها شکل نهایی خود را پیدا کرده‌اند. مقابله نسخه‌های تصحیح شده دیوان به وسیله استادان فن نشان می‌دهد دیوان اندک اندک به نسخه نهایی نزدیک می‌شود. بنده برای اینکه این نتیجه گیری را به طور نسبی قطعی کنم پنجاه غزل، غزل‌های ۳۱، ۲۱، ۱۱، ۱ الی آخر را، برمبنای نسخه اخیر استاد نیساری، با نسخه‌های خانلری، سایه و خرمشاهی مقابله کردم. برمبنای این مقابله می‌توان حدس زد که دست کم در سه چهارم دیوان حافظ، شکل نهایی پیدا شده است. به هر حال قسمتی از نتیجه مقابله را در اینجا به عرض می‌رسانم و مراد از نسخه خرمشاهی آخرین سعی استاد در این زمینه است که با خط کاوه اخوین در سال ۱۳۸۴ چاپ شده است.

غزل اول نیساری با مطلع:

الا یا ایها الساقی ادرکأساً و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها

با نسخه خانلری هیچ فرقی ندارد، حتی ترتیب ابیات نیز یکسان است. نسخه سایه نیز با نسخه خرمشاهی تفاوتی ندارد، اما نیساری و خانلری با سایه و خرمشاهی دو تفاوت دارد: ۱- در نیساری و خانلری: «نهان کی ماند آن رازی کزان سازند محفل‌ها»، در سایه و خرمشاهی: «کز سازند محفل‌ها»، یعنی به جای «کزان»، «کز» است؛ ۲- نیساری و خانلری در مصراع «همه کارم ز خود کامی به بدنامی کشید آری»، که در آن دو نسخه به جای «آری»، «آخر» است.

غزل ۱۱ نیساری با مطلع:

ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما

آب روی خوبی از چاه زنخندان شما

با نسخه خرمشاهی و سایه همسان است، جز اینکه نیساری سه بیت اضافه بر متن دارد، ولی با خانلری در دو مورد اختلاف دارد: سه بیت اخیر خانلری جزو متن است ولی در نیساری آن سه بیت تحت عنوان ابیات اضافه بر متن آمده و در اولین بیت این ابیات سه گانه «کای سرحق ناشناسان گوی میدان شما» در خانلری «گوی چوگان شما» است.

غزل ۲۱ نیساری بامطلع:

خیال روی تو در هر طریق همره ماست

نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست

جز در ترتیب ابیات، عیناً همسان بانسخه‌های سایه و خرمشاهی و خانلری است و حتی باخانلری در ترتیب ابیات نیز همسان است.

غزل ۳۱ نیساری بامطلع:

گل در بر و می برکف و معشوق به کام است

سلطان جهانم به چنین روز غلام است

باخانلری فقط در بیت اول جزئی اختلاف دارد. در خانلری به جای «برکف»، «درکف» است: گل در بر و می درکف... اما با سایه در بیت چهارم اختلاف دارد. نسخه نیساری چنین است: در مجلس ماعظرمیامیز که مارا / هر لحظه زگیسوی تو خوشبوی مشام است. و نسخه سایه چنین: «هردم ز سر زلف تو خوشبوی مشام است» ایضاً بیت ششم نیساری بابت متناظرش در سایه متفاوت است. نیساری چنین ضبط کرده است: «از چاشنی قندمگوهیچ وزشکر»، و سایه چنین: «ای چاشنی قندمگوهیچ زشکر». در این مورد خرمشاهی با نیساری همسان است و چنان که گفتیم خانلری با آن هردو.

غزل ۴۱ نیساری بامطلع:

خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست

گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست

در دو مورد با نسخه خانلری اختلاف دارد: نیساری می گوید: «مرا و مرغ چمن را زدل ربود آرام». خانلری می گوید: «زدل ببرد آرام». نیز در بیت پنجم: چوناغه بردل مسکین من گره مفکن / که عهد با سر زلف گره گشای تو بست. خانلری به جای «که عهد»، «چو عهد» دارد. در بیت دوم نیساری با سایه اختلاف دارد: نیساری می گوید: «زمانه تا قصب نرگس و قباى تو بست»، و سایه «زمانه تا قصب نرگس قباى تو بست». سایه در این مورد با خرمشاهی مطابق است و چنان که گفتیم خانلری با نیساری.

در این غزل، بیت سوم نیساری بابت متناظرش در نسخه‌های سایه تفاوت کلی دارد. نیساری چنین است: زکارما و دل غنچه بس گره بگشود / نسیم گل چو دل اندر پی

هوای توبست، در سایه چنین است: هم از نسیم توروری گشایشی یابد/ چو غنچه هر که
دل اندر پی هوای توبست. خرمشاهی و نیساری و خانلری در این بیت همسان هستند.

غزل ۵۱ نیساری بامطلع:

رواق منظر چشم من آشیانه توست

کرم نما و فرود آ که خانه خانه توست

بانسخه سایه و خرمشاهی اختلافی ندارد. ترتیب ابیات هم یکی است. اما بانسخه،
خانلری در بیت اول، در یک کلمه ناهمسان است و آن «آستانه» به جای «آشیانه» است:
«رواق منظر چشم من آستانه توست».

غزل ۶۱ نیساری بامطلع:

ماهیم این هفته شد از شهر و به چشمم سالی است

حال هجران توجه دانی که چه مشکل حالی است

در بیت دوم: «مردم دیده ز لطف رخ او سر رخ او»، در خانلری «در رخ او»، در مصراع
دوم «عکس خود دید و گمان کرد»، نسخه خانلری «او» ندارد و به جای «کرد»، «بُرد»
است: «عکس خود دید گمان برد». جزاین دو مورد کوچک، نیساری با خانلری همسان
است. اما بیت اول در نسخه سایه چنین است: «ماهیم این هفته برون رفت و به چشمم
سالی است». علاوه بر این، دو اختلاف کوچک دیگر با سایه دارد: در مصراع «مردم دیده
ز لطف رخ او بر رخ او»، سایه همچون خانلری: «در رخ او». نیز در بیت مشهور «بعد از اینم
نبودشائبه در جوهر فرد/ که دهان تو بر آن نکته خوش استدلالی است»، سایه: «در این
نکته». سایه و خرمشاهی در این غزل اختلافی ندارند.

غزل ۷۱ نیساری بامطلع:

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت

که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

در نسخه خانلری «گناه دگری». در بیت دوم: «من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را
باش»، در نسخه خانلری «خود را کوش» و جزاین اختلافی که با نسخه خانلری دارد این
است که نیساری سه بیت اضافه بر متن دارد. یکی از این ابیات را خانلری در متن آورده و
دو بیت دیگر را در حاشیه، و اختلاف نیساری با سایه در بیت سوم است. آنجا که

می‌گوید: «نامیدم مکن از سابقه لطف ازل / تو پس پرده چه دانی که خوب است و که زشت». در این مورد، سایه «توجه دانی که پس پرده». در این مورد نیساری و خانلری و خرمشاهی همسان است. در بیت ششم «نه من از خلوت تقوی به درافتادم و بس»، سایه و خرمشاهی به جای «خلوت»، «پرده» دارند: «نه من از پرده تقوی به درافتادم و بس». غزل ۸۱ میان چهار نسخه یک مورد اختلاف هست و آن اینکه در بیت:

یارب سببی ساز که یارم به سلامت

باز آید و برهاندم از چنگ ملامت

در نیساری «چنگ ملامت» و در نسخه دیگر «بند ملامت» است.

در غزل ۹۱ نیساری با مطلع:

تنت به نازطبیان نیازمند مباد

وجود نازکت آزرده گزند مباد

در بیت سوم: «جمال صورت و معنی زیمن صحت توست»، در خانلری «کمال صورت و معنی»، در سایه و خرمشاهی «جمال صورت و معنی زامن صحت توست». در بیت چهارم «درین چمن چو درآید خزان به یغمائی»، در خانلری «بدین چمن»، بجز این موارد در بقیه موارد نسخه‌ها همسان هستند.

در غزل ۱۰۱ نیساری با مطلع:

دل ما به دور رویش ز چمن فراغ دارد

که چو سرو پایند است و چو لاله داغ دارد

در هر سه نسخه خانلری و خرمشاهی و سایه به جای «رویش»، «رویت». بیت دوم: «من و شمع صبحگاهی سزد ار به خود بگیریم» در سایه و خرمشاهی «سزد اربهم بگیریم». در بیت چهارم «سزدم چو ابر بهمن». خانلری این بیت را در حاشیه آورده است. در بیت پنجم: «شب ظلمت و بیابان به کجاتوان رسیدن / مگر آنکه شمع رویش به رهم چراغ دارد»، در سایه و خرمشاهی «شمع رویت». خانلری این بیت را به شکل دیگری دارد:

شب تیره چون سرآرم ره پیچ پیچ زلفش / مگر آنکه عکس رویش به رهم چراغ

دارد.

نیساری دوبیت اضافه بر متن دارد که یکی از آن‌ها را خانلری در متن و دیگری را در حاشیه آورده است.

در غزل ۱۱۱ با مطلع:

نیست در شهرنگاری که دل ما ببرد

بختم اربار شود رختم از اینجا ببرد

نیساری با خانلری همسان است الا اینکه در بیت هفتم در نیساری چنین است:

«سحر با معجزه پهلونزند فارغ باش / سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد»
و در خانلری مصراع اول به کلی متفاوت و چنین است: «بانگ گاوی چه صدا باز دهد عشوه
مخر». سایه مانند نیساری است با این تفاوت که به جای «فارغ باش»، «دل خوش دار» است. نیساری دوبیت را اضافه بر متن آورده که یکی از آن‌ها در خانلری در متن است. نسخه خرمشاهی در تمام غزل، جز در یک مورد، مطابق خانلری است و آن یک مورد این است: «علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد / ترسم آن نرگس ترکانه به یغما ببرد» که در خرمشاهی به جای «ترکانه»، «مستانه» است.

غزل ۱۲۱ با مطلع:

دوستان دختر رز توبه زمستوری کرد

شد سوی محتسب و کار به دستوری کرد
نسخه نیساری با خانلری مطابق است، جز در یک مورد: «جای آن است که در عقد وصالش گیرند / دختری مست چنان کاین همه مستوری کرد»، که در خانلری به جای «چنان»، «چنین» است. در این مورد سایه با خانلری مطابق است. به طور کلی خانلری با سایه کاملاً همسان است. اما خانلری، سایه و نیساری، با خرمشاهی در دو مورد اختلاف دارند: ۱- در بیت دوم «تا بگوید به حریفان که چرا دوری کرد»، «تا نگویند حریفان که چرا دوری کرد»؛ ۲- در مصراع «نه شگفت ارگل طبعم ز نسیمش بشکفت»، در خرمشاهی چنین است: «غنچه گلبن و سلم ز نسیمش بشکفت».

در غزل ۱۳۱ با مطلع:

ساقی ارباده از این دست به جام اندازد

عارفان را همه در شرب مدام اندازد

پنج بیت اول غزل درخانلری و نیساری همسان است. در بیت ششم: «باده بامحتسب شهرننوشی زنهار/ بخورد باده ات و سنگ به جام اندازد»، به جای «زنهار» درخانلری «حافظ» است و بیت مقطع و تخلص تلقی شده است و بیت مقطع نیساری را درحاشیه آورده، اما نیساری با سایه دردمورد اختلاف دارد: در بیت: ای خوشاحالت آن مست که درپای حریف/ سر و دستارندانکه کدام اندازد، به جای «حالت»، «دولت» است: «ای خوشا دولت آن مست» شاید ذوق امروزی «دولت» را بیسندد ولی به گزارش نیساری در بیست نسخه «حالت» و فقط در دو نسخه «دولت» است، نیز در بیت: باده بامحتسب شهرننوشی زنهار/ بخورد باده ات و سنگ به جام اندازد، به جای «بخورد باده ات»، «که خورد باده ات» است. خرماشاهی درمورد اول با سایه و درمورد دوم با نیساری تطبیق می‌کند.

درغزل ۱۴۱ بامطلع:

کی شعرتر انگیزد خاطرکه حزین باشد

یک نکته از این دفتر گفتیم و همین باشد

نسخه نیساری با نسخه خانلری همسان است، جز در یک کلمه: خانلری به جای «شعرتر»، «شعرخوش» دارد: «کی شعرخوش انگیزد خاطرکه حزین باشد». طبق گزارش نیساری در ۳۲ نسخه «تر» و در هفت نسخه «خوش» ضبط شده است. در بیت مطلع، سایه و خرماشاهی به جای «دفتر»، «معنی» دارند: «یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد». در بیت: درکارگلاب و گل حکم ازلی این بود/ کین شاهدبازاری وان پرده نشین باشد، سایه چنین است: «کاین شاهدبازاری وین پرده نشین باشد». در بیت مقطع نیز سایه «کاین سابقه پیشین» ضبط کرده است. در این مورد خرماشاهی همسان با سایه است.

درغزل ۱۵۱ بامطلع:

دوش ازجناب آصف پیک بشارت آمد

کز حضرت سلیمان عشرت اشارت آمد

نیساری جز در یک مورد با خانلری همسان است: در مصراع «آلوده ای تو حافظ فیضی ز شاه درخواه»، خانلری به جای «تو»، «چو» دارد: «آلوده ای چو حافظ فیضی ز شاه درخواه»، نیساری با سایه نیز در یک مورد اختلاف دارد: در مصراع: «کان پاک دامن اینجا

بهر زیارت آمد»، سایه دارد: «کان پاک پاک دامن بهر زیارت آمد». خرمشاهی نیز در این مورد مطابق سایه است، ولی در بیت دوم، خرمشاهی با هر سه متفاوت است: «خاک وجود ما را از آب باده گل کن». خرمشاهی دارد: «خاک وجود ما را از آب دیده گل کن». طبق گزارش نیساری ۱۹ نسخه «آب باده» و ۱۳ نسخه «آب دیده» است.

درغزل ۱۶۱ با مطلع:

دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند

گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند

نیساری باخانلری کاملاً همسان است، امانیساری و خانلری با نسخه‌های سایه و خرمشاهی در سه مورد اختلاف دارند: ۱- در بیت «شکر آن راکه میان من و او صلح افتاد/ حوریان رقص کنان ساغر شکرانه زدند»، در سایه و خرمشاهی به جای «حوریان»، «صوفیان» است؛ ۲- در مصراع «آتش آن نیست که برشعله او خندد شمع»، در سایه و خرمشاهی «ازشعله او خندد شمع»؛ ۳- در بیت مقطع: «کس چو حافظ نکشید از رخ اندیشه نقاب»، به جای «نکشید» سایه و خرمشاهی «نگشاد» دارند.

درغزل ۱۷۱ با مطلع:

در نظر بازی ما بی خیران حیرانند

من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند

تفاوت‌ها به قرار زیر است: ۱- در بیت مقطع: زاهد ار رندی حافظ نکند فهم مراد/ دیوبگریزد از آن قوم که قرآن خوانند، در سه نسخه دیگر، یعنی خانلری، سایه و خرمشاهی به جای «مراد»، «چه شد» است؛ ۲- بیت «گر شوند آگه از اندیشه مامغ بچگان/ بعد از این خرقه صوفی به گروستانند» را نیساری در خارج از غزل و آن سه نسخه جزء غزل آورده اند؛ ۳- در نیساری و سایه، در بیت «وصف رخساره خورشید زخفاش مپرس/ که در این آینه صاحب نظران حیرانند»، در خانلری و خرمشاهی مصراع اول چنین است: «وصل خورشید به شب پرّه اعمی نرسد»، و در مصراع دوم به جای «در این آینه»، «در آن آینه» است.

درغزل ۱۸۱ با مطلع:

یاد باد آنکه نهانت نظری با ما بود

رقم مهرتو بر چهره ما پیدا بود

نیساری جز در ترتیب ابیات با خانلری همسان است و فقط یک مورد با سایه اختلاف دارد: در بیت: یاد باد آنکه مه من چو کله بر بستنی / در رکابش مه نوپیک جهان پیمان بود، در سایه به جای «مه من چو کله بر بستنی»، «نگارم چو کمر بر بستنی» است. در این مورد خرمشاهی با سایه برابر است. نیز در همه موارد.

غزل ۱۹۱ با مطلع: «آن یار کزو خانه ما جای پری بود»، نسخه خانلری و نیساری کاملاً همسان اند، حتی در ترتیب ابیات، و در سه مورد با سایه اختلاف دارند: ۱- «تھا نه ز راز دل ما پرده بر افتاد»، در سایه «دل من»؛ ۲- در مصراع «خوش بود لب آب و گل و سبزه ولیکن»، در سایه به جای «ولیکن»، «ونسرین» است؛ ۳- خود را بکشد بلبل از این رشک که گل را... در سایه «خود را بکش ای بلبل». نسخه خرمشاهی نیز در هر سه مورد با نسخه خانلری و نیساری نا همسان و با نسخه سایه همسان است، جز در ترتیب ابیات.

درغزل ۲۰۱ با مطلع:

ترسم که اشک بر غم ما پرده در شود

وین راز سر به مهر به عالم سمرشود

خانلری و نیساری در دو مورد اختلاف دارند: «از هر کرانه تیرد عا کرده ام روان / باشد کزان میانه یکی کارگر شود»، در خانلری «کزین میانه»، سایه و خرمشاهی نیز مانند نیساری است. دیگر اینکه در بیت: «ای جان حدیث ما بردلدار باز گوی / لیکن چنان مکن که صبارا خبرشود»، در خانلری «اما چنان مگو که صبا را خبرشود». خرمشاهی نیز مانند خانلری است. در بیت مطلع، سایه با خانلری و نیساری اندکی متفاوت است. سایه چنین است: «ترسم که اشک در غم ما پرده در شود». بیت «این سرکشی که کنگره کاخ وصل راست / سرها بر آستانه او خاک در شود»، در سایه در متن آمده، در نیساری جز ابیات اضافه بر متن و خانلری حتی در حاشیه نیز نیآورده است. در بیت مقطع، خرمشاهی با سه نسخه دیگر متفاوت است. در سه نسخه «حافظ چونافه سر زلفش به دست توست / دم درکش ار نه باد صبا پرده در شود»، و در خرمشاهی «باد صبارا

خبرشود».

غزل ۲۱۱ با مطلع:

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید

که زانفاس خوشش بوی کسی می آید
درخانلری هشت بیت، درنیساری نُه بیت، درسایه یازده بیت، درخرمشاهی نیزنُه
بیت است. درهفت بیت میان چهارنسخه اختلافی نیست. بیت اضافه نیساری برخانلری
این است: «جرعه ای ده که به میخانه ارباب کرم / هرحریفی زپی ملتَمسی می آید».
خانلری این بیت را درحاشیه نقل کرده، ابیات اضافی نسخه سایه رانیساری جزو ابیات
اضافه بر متن نیاورده است. باتوجه به دگرسانی های نیساری حق بایدبا او باشد
درنیاوردن ابیات اضافی.

درغزل ۲۲۱ با مطلع:

ای صبا نکهتی ازکوی فلانی به من آر

زار و بیمارغمم راحت جانی به من آر
فقط دربیت مقطع: «دلم ازپرده بشد دوش که حافظ می گفت»، خانلری و نیساری
اندکی متفاوت است؛ چه، درخانلری «چو حافظ می گفت» به جای « که حافظ
می گفت» دربقیه موارد نیساری و خانلری حتی درترتیب ابیات همسان است. خرمشاهی
و سایه نیز دربیت مقطع با خانلری همسان اند. دربیت: «در غریبی و فراق و غم دل
پیرشدم / ساغری می زکف تازه جوانی به من آر»، درخرمشاهی به جای «ساغری می»،
«ساغرمی» است.

آنچه ازاین مقابله می توان نتیجه گرفت این است که نسخه های تصحیحی سی
سال اخیر نسبت به نسخه های غیرمصحّح چاپی قدیم، حتی نسبت به نسخه قدسی،
بسیاربه هم نزدیک شده اند و می توان امیدوار بود که اگر تصحیح دیوان به همین شکل
پیش برود به زودی به نسخه نهایی نزدیک تر شویم. نتیجه دیگراینکه نسخه نیساری به
نسخه خانلری و نسخه سایه به نسخه خرمشاهی نزدیک است. هم اکنون دربسیاری
ازغزلها، شکل نهایی به دست آمده است.

آنچه بنده می خواهم نتیجه بگیرم اینکه کوشش هایی که درسال های اخیر در زمینه

تصحیح دیوان حافظ صورت گرفته اندک اندک دیوان رابه نسخه نهایی نزدیک کرده است. این امر محقق شود ۵۰ غزل در چهار دیوان تصحیح شده به وسیله شادروان خانلری و آقایان سایه، خرمشاهی و سلیم نیساری مقابله شده است و به این نتیجه رسیده ام که دست کم درسه چهارم دیوان تصحیح کنندگان به نتیجه واحد رسیده اند و شکل نهایی حاصل شده است. پیشنهاد می شود بر مبنای این چهار نسخه و نسخه های تصحیح شده دیگر موسسه ای مانند مرکز حافظ شناسی یا فرهنگستان زبان و ادب فارسی یا مرکز ایران شناسی، حافظ شناسان را گرد آورد تا آنان به تنظیم نسخه نهایی حافظ اقدام کنند.

